روئین دژ مراغه و هفت پیکر نظامی

ثروتیان، بهروز

با این احوال سال مرگ رشید الدین محمد 877 هـ ق و سال تألیف مصباح 852 هـ ق و سال تألیف ریاض الافیاض 846 هـ ق است.اگر کتاب ریاض الافیاض را در بیست‏ سالگی تألیف کرده باشد سنین عمر او به پنجاه و یک سال میرسد.

صندوق زیبای مرقد وی هم‏اکنون در مقبره او موجود است و هنر منبت‏کاران‏ زمان و خطاطی در اواخر دوره تیموری است.عمل استاد محمد بن نظام.

خطوط صندوق که در صدر چهار جانبی صندوق نقر شده چنین آمده:نمقه العبد الضعیف‏ محمد بن محیی سنه 881 هـ ق.(عکسها در صفحهء 849 چاپ شده).

با نمونه‏ای از غزلیات رشید الدین به این یادداشت پایان می‏دهم.

ای تیر ترا سینهء عشاق سپرها سودای سر زلف تو خون کرده جگرها گر داغ فراقی بدل آمد ز تو سهل است‏ آن نیز نهادیم ببالای دگرها در مسجد و دیرم نکند هجر تو رحمی‏ چندانکه درآیم بوی از جمله درها از سنگ ملامت چه غم آن خاک‏نشین را کو کوه صفت بسته بلا راست کمرها با همت پیر از ضرر راه میاندیش‏ توفیق چو همراه تو شد نیست خطرها امید وصالست و ز هر سو نگرانیم‏ داریم سئوالات از آنست نظرها بگذشت رشید از دلت آن تیرچه سیار یاریست بوی لا بد از انواع گذرها

احمد شاهد(اسفراین)

\*\*\*

رویین دژ مراغه و هفت‏پیکر نظامی

از اهل تحقیق ادب در تصحیح و توضیح بیت زیر یاری می‏طلبد که در وصف‏ رویین‏دژ مراغه گفته شده است:

یافت دریافت نارسیدهء او زهره را هم زده دریدهء او

(هفت‏پیکر چاپ وحید،ص 366)1

«قاف تا قاف در رسیدهء او زرهی هم زره دریدهء او

(هفت‏پیکر،به تصحیح ریپکا-ریتر،ص 302)2

بیت فوق در بند 53 هفت‏پیکر(ختم کتاب)آمده است که نظامی گنجه‏ای ضمن‏ دعای دولت علاء الدین کرپه ارسلان(فوت 604 هـ)3بخشی از سخنان خویش را به وصف‏ مرکز حکومتی وی«رویین‏دژ»4مراغه اختصاص داده می‏گوید:

چون من از قلعهء قناعت خویش‏ شاه را گنج درکشیدم پیش

(1)-چاپ علی اکبر علمی،تهران.

(2)-استانبول،مطبعهء دولت 1934 م.از انتشارات مؤسسهء شرقیهء چکوسلواکیا در پراگ.

(3)-ر.ک:تاریخ ایران،تألیف پیرنیا-اقبال،به کوشش دکتر محمد دبیرسیاقی،ص 385- 383.

(4)-رویین‏دژ را یکی از قلاع مراغه نوشته‏اند(همان مأخذ ص 383،آنندراج ذیل همین‏ کلمه)جای تحقیق هست که آیا شاعر مراعه را«رویین‏دژ»نامیده است یا رویین‏دژ همان قلعهء باستانی مشهور است و همچنین قابل بررسی با صایین‏قلعه(صایین‏دژ-شاهیندژ)نیز هست.

وام داری نه از تهی شکمی‏ دز رویین بود ز بی‏درمی؟ کآهن تیز آن گریوهء سنگ‏ لعل و الماس ریخت صد فرسنگ‏ لعل بر دست دوستان به قیاس‏ وز پی پای دشمنان الماس‏ آن نه دز،کعبهء مسلمانیست‏ مقدس ره روان روحانیست‏ [؟]در[؟]نارسیدهء او زرهی هم زره دریدهء او جبل الرحمه زان حریم دریست‏ بوقبیس از کلاه او کمریست‏ ابدی باد خط این پرگار زان بلند آفتاب نقطه قرار

(56-48/53)5

بیت مورد بحث در دستنویسهای معتبر موجود به صورتهای مختلف زیر نوشته شده است:

1-ن:نسخهء خطی کتابخانهء ملی تبریز از کتب اهدایی شادروان حاج حسین‏ نخجوانی که از نظر تاریخی قدیمترین دستنویس شناخته شده در جهان است و به تاریخ‏ 754 هـ به خط محمود اسمعیل نوشته شده است:

بافه به دریافت نارسیدهء او زر همه زره دریدهء او

ظاهرا کاتب این نسخه یا نسخهء پیش از آن قادر به فهم معنی نبوده شبیه‏سازی کرده‏ و علاوه بر زیادت وزنی«به»در مصراع اول،شکلی نزدیک و همانند به شکل کلمات‏ اصلی در صدر و ابتدای بیت قرار داده است.

2-ب ت ث:سه دستنویس کتابخانهء ملی پاریس(763 هـ)،بودلیان آکسفورد (766 هـ)و موزهء بریتانیا(قرن نهم هجری):

قاف تا قاف در رسیدهء او زرهی هم زره دریدهء او

مضبوط هرسه نسخه از آغاز تا پایان هفت‏پیکر همسان است و برخلاف مثنویهای‏ دیگر در تصحیح هفت‏پیکر به پاورقی رفته:گویی کتاب نسخهء اصلی در صدد آسان‏ کردن ابیات مشکل و حذف ابیات لا ینحل و یا غیرقابل تغییر بوده و این سه نسخه از روی آن ضبط شده است-ریپکا وریتر نیز متوجه این نکته بوده اغلب هرسه نسخه را از متن خارج کرده‏اند و لیکن در مورد بیت مورد بحث به علت عدم امکان فهم معنی‏ اشکال دیگر همین صورت را در متن قرار داده‏اند که با تأمل معلوم می‏گردد مصراع اول‏ فاقد معنی مناسب است.

3-ج خ:(نسخهء 835 هـ موزهء ارمیتاژ و 899 هـ انستیتوی خاورشناسی شوروی):

یافت دریافت نارسیدهء او زر همه هم زره دریدهء او

بیت بی‏معنی است و لیکن صورت ظاهر آن قابل مقابله و بررسی با نسخهء مرحوم‏ نخجوانی است.

4-ر:شادروان وحید دستگردی بیت را به صورت زیر به چاپ رسانده:

یافت ریافت نارسیدهء او زهره را هم زره دریدهء او

و در توضیح آن می‏نویسد:«یعنی دریافت‏کننده این دز محکم و کسیکه خواست‏ (5)-ابیات 48 تا 56 بند 53 برابر متن مصحح نگارنده ضبط شده است که به همت آقای محسن‏ باقرزاده در انتشارات توس تهران به چاپ می‏رسد.

این دز را بگیرد بدز نارسیده زهره شکاف شد و زهره خود را علاوه بر ترسیدن زره‏ درید و زهره دریدن دریافت او شد»(شماره 3 پاورقی ص 366).

متاسفانه نمی‏دانیم شادروان وحید واژهء«زهره»را از روی کدام نسخهء خطی یا چاپی ضبط کرده است و مقصود از توضیح و معنی آن چیست و چگونه با کلمات و کلام موجود در بیت می‏سازد در حالیکه«زهره»در 15 نسخهء منبع استفادهء ریپکا وریتر نیست و نبوده و در نسخه‏های خطی کتابخانهء ملی تبریز نیز دیده نمی‏شود.

نکته‏ای که در بیت مورد بحث پیش از هر موضوع دیگری جلب توجه می‏کند وجود حرف عطف«هم»است که نشان می‏دهد«زرهی»عطف شده است به چیزی یا کسی یا جایی که در مصراع اول ذکر گردیده یعنی کلمهء نامعلوم مصراع اول هرچه باشد بی تردید با«زرهی»مناسبت دارد و با توجه به ابیات پس و پیش که به ترتیب از چهار محل‏ «کعبه»،«مقدس»6،جبل الرحمه و بوقبیس نام می‏برد به نظر می‏آید غرض از«زرهی» (به فتح اول و دوم و های ملفوظ)منسوب به دریاچهء زره سیستان و یا هر دریای دیگری‏ (بحر خزر،خلیج فارس و جز آن)است که محتمل است نام بندر و یا جزیره‏ای بوده‏ و ما نمی‏دانیم زیرا«زره اکفوده»نیز به بحر خزر می‏گفته‏اند7و زره در زبان پهلوی‏ به معنی دریا است.

همین گمان با توجه به شکل«یافه»در اقدام نسخ خطی و مقایسهء آن با«یافت»که‏ گشته‏ایست از«یافه»نام بندر«یافه»(-یافا)در فلسطین را به خاطر می‏آورد که در زمان شاعر(قرن 6 هـ ق 12 م)به علت دست به دست گشتن در میان مسلمانان و مسیحیان‏ در جنگهای صلیبی،شهرتی عام داشته است و باز بخشی از کلام نامفهوم می‏ماند:

[یافه‏]در[؟]نارسیدهء او زرهی هم زره دریهء او

آیا می‏توان گفت با توجه به اتحاد شکل و اختلاف لفظ«زرهی»و«زره»و صنعت‏ تصحیف نهاده شده در آن،در مصراع اول نیز بین«یافه»و کلمهء مجهول چنین صنعتی‏ به کار رفته است؟نافه،تافه،ناقه،باقه(در 16 شکل ممکن)جلب توجه می‏کند که‏ هریک گشتهء«یافت»دوم را تأیید می‏کند و در میان 16 شکل ممکن بیشتر از همه«یاقه» از نظر شکل و مخصوصا یعنی جلب توجه می‏کند که تنها یک نقطه با«یافه»اختلاف‏ دارد و اگرچه مأخوذ از ترکی است و لیکن کلمه‏ای شناخته شده است:

یاقه-در ترکی گریبان جامه را گویند(غ)،فرهنگ آنندراج.

با این مقدمات به فرض ممکن می‏توان گفت احتمال دارد بیت به صورت زیر بوده است:

[یافه‏]در[یاقه‏]نارسیدهء او زرهی هم زره دریدهء او

و با ابیات پس و پیش هم مناسبت معنوی دارد:

(6)-مقدس بر وزن مجلس به معنی جای پاک نام دیگر بیت المقدس است که شاعر جای دیگر زیارتگه مقدس(بر وزن معظم)نامیده است:

رفت از آنجا و برگ راه بساخت‏ به زیارتگه مقدس تاخت

40/34

(7)-ر.ک:فرهنگ فارسی معین،ج 5(اعلام)ذیل«زره اکفوده»و ج 2 ذیل واژهء«زراه». و تقویم البلدان ترجمهء عبد المحمد آیتی،انتشارات بنیاد فرهنگ ایران،صفحات 58،59،80،391.

آن رویین‏دژ تنها دژ نیست بلکه کعبهء مسلمانی و جایگاه پاک و بیت المقدس‏ راهروان روحانی است،یافه با آنهمه استحکاماتش به گریبان وی هم نمی‏رسد و زرنگ‏ سیستان(یا هر جزیره و بندر و شهری)در برابر عظمت رویین‏دژ،زره رزم می‏درد و دور می‏اندازد و بلندی دو کوه جبل الرحمه در عرفات و بوقبیس در مکهء معظمه نیز در برابر بلندی آن دژ چیزی نیست و یکی چون آستانهء آن دژ و یا درگاه آن و یکی نیز چون کمر کوه در برابر کوه و یا کمر در مقابل کلاه به نظر می‏آید در قیاس با آن‏ دژرویین.

اینجاست که در صورت اطمینان به شکلی فرضی فوق تحقیق در باب«یافه»و «زرهی»لازم می‏نماید و در هرحال از اهل نظر و تحقیق یاری می‏جوید و نظر میخواهد و چشم به راه عنایت اهل فضل است.

هنر بی‏عیب حرمان نیست لیکن‏ ز من محروم‏تر،کی سایلی بود؟

دکتر بهروز ثروتیان

فایدهء آهن

شیخ علی اکبر زارچی از وعاظ پنجاه سال پیش یزد بود و مردی بذله‏گو.در آن‏ اوقات تازه موضوع فائدهء بعضی سبزیجات که دارای آهن است و آهن برای بدن آدمی‏ لازم مطرح شده بود.

شیخ در طعمه بر این رأی پزشکان گفته بود.حالا باب شده می‏گویند اسفناج‏ بخورید که آهن دارد...چرا به خودتان زحمت بدهید،حالا که باید آهن خورد یک تکه بیل بخورید.یک تکه کلنگ بخورید.

دو بیت به لهجهء نائینی

Ziber rasa?y-e go yomiy-e ga?li-e lenger. Xoyi huza?a sua?r-huza?r Chi?li?nger.

Huza?r mafrash yaxdun ve shi?vi-pa?sh vart-e Huza?r zeng o zi?li?ji ve shivi ma?sh Kart-e

-خبر رسیده است که شاه آمده است گال لنگر

-با هزار سوار و هزار چلنگر

-هزار مفرش و یخدان به زیر پلذش افتاده

-هزار زنگ و زیلی هم به زیر گردنش کرده

شعری است از مردم نائین به هنگام ورود محمد شاه به نائین و بار انداختن لشکرش‏ در گال‏لنگر.

(شنیده شده از جلال بقائی نائینی)